



#### شناسنامه مقاله

پژوهشی از فرامرز تابش

این پژوهش در دو مقاله، قسمت اول و دوم، ارائه می شود

تاریخ انتشار نسخه فارسی: دوشنبه - ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ باستانی، مصادف با May 5, 2025

تاریخ انتشار نسخه های غیر فارسی: در دست ترجمه

کد مقاله در آرشیو پژوهشکده: jxfdrd fv cknäd , ldvhe tvn,sd , aös#dv\_rslj h,g , n,l

لینک مقاله در پژوهشکده اندیشه آنلاین آلمان:

[مقایسه تطبیقی بر زندگی و میراث فردوسی و شکسپیر - قسمت دوم](#)

از توس تالندن

تطبیقی بر زندگی و میراث فردوسی و شکسپیر

## Ferdowsi and Shakespeare: A Historical Comparison of Their Lives and Legacies

### Part 2

چکیده آنچه در قسمت اول مورد بحث قرار گرفت:

- ۱- مقدمه
- ۲- فردوسی و شاهنامه
- ۳- میراث ملی و فرهنگی
- ۴- شاهنامه کتاب شاهان
- ۵- ریتم اشعار در شاهنامه
- ۶- اهمیت تاریخی و فرهنگی
- ۷- هویت ملی و میراث هنری
- ۸- شاهنامه میراثی جهانی
- ۹- تأثیرات جهانی شاهنامه
- ۱۰- یک نکته بحث برانگیز
- ۱۱- زمزمه‌هایی پیرامون فردوسی
- ۱۲- شکسپیر و آثار او

[قسمت اول](#)

## اثرات جهانی ادبیات شکسپیر

### مقدمه

ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) از بزرگ‌ترین نویسندگان تاریخ است که تأثیری ماندگار بر ادبیات، زبان، تئاتر و فرهنگ جهانی داشته است. آثار او، از نمایشنامه‌ها تا سونات‌ها، الهام بخش نسل‌های مختلف هنرمندان و متفکران در سراسر جهان بوده‌اند.

### تأثیر بر زبان انگلیسی

شکسپیر حدود ۱۷۰۰ واژه جدید به انگلیسی افزود و عبارات مشهوری مانند "heart of gold" و "break the ice" را رواج داد. زبان او به غنابخشی و توسعه واژگان و ساختارهای زبانی انگلیسی کمک کرد، و همچنان یکی از پرنفوذترین نویسندگان در جهان انگلیسی زبان است.

### تأثیر بر ادبیات جهانی

نمایشنامه‌هایی مانند *هملت*، *مکبث* و *رومئو و ژولیت* با مضامینی جهانی چون عشق، خیانت و قدرت، الهام بخش نویسندگانی همچون دیکنز، ملویل و نویسندگان مدرن شده‌اند.

### تأثیر بر تئاتر و سینما

شکسپیر با شخصیت پردازی نوآورانه و ساختار داستانی پیچیده، تئاتر مدرن را شکل داد. نمایشنامه‌های او به بیش از ۱۰۰ زبان ترجمه شده‌اند و همچنان در سراسر جهان اجرا می‌شوند. آثار سینمایی مانند *شیرشاه* (الهام گرفته از *هملت*) و *رومئو و ژولیت* گواه تأثیر او بر رسانه‌های مدرن هستند.

### تأثیر بر فرهنگ و آموزش

شکسپیر در نظام‌های آموزشی جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. آثارش در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند و موضوعاتی چون هویت، قدرت، اخلاق و خانواده را کاوش می‌کنند. مکان‌هایی مانند *تئاتر گلوب* و *استراتفورد آپون آون* نیز به مقاصد مهم فرهنگی بدل شده‌اند.

### تأثیر بر فلسفه و اندیشه

با بررسی طبیعت انسان و اخلاق، شکسپیر بر اندیشه غربی تأثیر گذاشته است. شخصیت‌هایی چون *هملت* و *مکبث* در بحث‌های فلسفی درباره آزادی و سرنوشت نقش داشته‌اند.

### تأثیر بر هنر و موسیقی

نمایشنامه‌های شکسپیر الهام‌بخش اپراهایی چون *تلو* و آثار هنری تصویری از شخصیت‌هایی مانند *اوفلیا* و *ژولیت* بوده‌اند، که نشان از نفوذ او در هنرهای دیگر دارد.

### جمع‌بندی این بخش

شکسپیر با خلق زبانی غنی و داستان‌هایی جاودانه، نه تنها ادبیات انگلیسی بلکه فرهنگ جهان غرب را دگرگون کرد. آثار او همچنان زنده‌اند و در تئاتر، آموزش و هنر بازآفرینی می‌شوند.

[منابع ردیف هشتم در مورد مطالب فوق]

## ابهامات زندگی شکسپیر

### زمزمه‌هایی پیرامون شکسپیر- دو مورد اساسی

اجازه دهید قبل از آنکه به ادامه بحث بپردازیم، با باز کردن یک پرانتز در میان مطالب، به دو نکته اساسی و بسیار مهم در مورد اتهاماتی که به شکسپیر وارد می‌دانند بپردازیم. زیرا برای آنکه بتوانیم یک مقایسه منصفانه میان فردوسی و شکسپیر ارائه دهیم، باید به طرز زندگی و اخلاقیات اجتماعی آنها نیز توجه شود.

### ۱- نظریه بیکنی و مسئله نویسندگی او برای شکسپیر

یکی از چالش برانگیزترین بحث‌ها در مطالعات ادبیات نمایشی غرب، مسئله اصالت آثار ویلیام شکسپیر است که از آن با عنوان «مشکوک بودن نویسندگی شکسپیر» یاد می‌شود. در این میان، **نظریه بیکنی** (Baconian Theory) جایگاه ویژه‌ای دارد. این نظریه نخستین بار در قرن نوزدهم میلادی مطرح شد و مدعی است که **سر فرانسیس بیکن**، فیلسوف، نویسنده و سیاستمدار برجسته انگلیسی، در حقیقت نویسنده برخی یا تمام آثار منسوب به شکسپیر بوده است. (Friedman & Beach, 1910)

طرفداران این نظریه دو دلیل اصلی ارائه می‌کنند:

- الف- پیشینه ساده و سطح تحصیلات محدود شکسپیر، که به عقیده این افراد، با پیچیدگی‌های حقوقی، فلسفی و تاریخی موجود در آثار او همخوان نیست.
- ب- موقعیت علمی، تحصیلات گسترده و سبک نگارش بیکن که به نظر مطرح کنندگان این مطلب با محتوای آثار شکسپیر تناسب دارد. (Spedding, 1872)

با اینکه برخی پژوهشگران بر این باور می‌باشند که فرانسیس بیکن نویسنده واقعی نمایشنامه‌های شکسپیر بوده، بسیاری از محققان دیگر در رشته ادبیات، این دیدگاه را رد کرده‌اند. دلایل آن‌ها شامل این موارد است: نبود هیچ مدرک تاریخی معتبر که نشان دهد بیکن این آثار را نوشته باشد. همچنین وجود گواهی و تأیید هم‌عصران شکسپیر - مانند نمایشنامه نویس مشهوری به نام بن جانسون (Benjamin Jonson-1572-1637)، بر اینکه خود شکسپیر نویسنده این آثار بوده، و البته تفاوت‌های آشکار در سبک نوشتاری بیکن و شکسپیر. به همین دلیل، امروزه بسیاری از محققان این نظریه را بیشتر یک تئوری توطئه ادبی می‌دانند تا یک فرضیه جدی تاریخی (Shapiro, 2010).

### ۲- نظریه عضویت او در فرقه‌های مخفی: از رزیکروسی‌ها تا فراماسونری

در کنار مطرح نمودن تئوری تقلب در نویسندگی، دیدگاه‌هایی نیز مطرح شده‌اند که شکسپیر را به فرقه‌ها و انجمن‌های سری مرتبط می‌دانند. مهم‌ترین آن‌ها ارتباط با **رزیکروسی‌ها** (فرقه مسیحی صلیبیان گل‌سرخ (Rosicrucians))، و **فراماسون‌ها** است؛ گروه‌هایی که در قرون میانه و اوایل مدرن به موضوعاتی چون ریتوال‌های فرقه‌ای، نوعی جادوگری و روشن‌فکری علاقه مند بودند. مدافعان این دیدگاه‌ها بر چند محور تأکید دارند:

- وجود کدهای رمزی و اشارات نمادین در متن نمایشنامه‌ها،
- کاربرد واژگان مرتبط با مفاهیم باطنی،
- و شباهت‌های معنایی با آموزه‌های رازآلود.

برخی نویسندگان و نظریه پردازان علوم فرقه ای معتقدند که شکسپیر عضوی از محافل اسرارآمیز فرقه ای مانند رزیکروسی ها یا فراماسون ها بوده و آثار او حامل آموزه های رمزآلود است. ایگنیئوس دانلی (Ignatius Donnelly)، در کتاب "رمزنگاری عظیم" (The Great Cryptogram (1888))، استدلال می کند که نمایشنامه های شکسپیر در واقع نوشته فرانسویس بیکن اند و حاوی پیام های رمزی پنهان و مرتبط با دانش مخفی هستند. مانلی پی. هال (Manly P. Hall) نیز در اثر معروف خود "آموزه های پنهان همه دوران ها" (The Secret Teachings of All Ages (1928)) به بررسی عناصر علوم رمزآلود و فلسفی در هنر و ادبیات دوران رنسانس، از جمله آثار شکسپیر، می پردازد و امکان وابستگی آن ها به فرقه های باطنی را مطرح می کند. نویسندگان معاصرتری مانند دیوید اووون (David Ovason) در "کتاب سری شکسپیر" (Shakespeare's Secret Booke (2002)) و پیتر داوز (Peter Dawkins) در مجموعه آثار خود درباره (طرح معنوی بریتانیا (Spiritual Plan for Britain))، کوشیده اند با تکیه بر شواهد نجومی، قبلائی (شاخه ای از عرفان کابالا با رویکرد نمادگراییانه در سنت های باطنی غربی) و نمادین، وجود ساختارهای رازآلود در نمایشنامه های شکسپیر را نشان دهند. هرچند این دیدگاه ها در چارچوب مطالعات دانشگاهی معتبر پذیرفته نشده اند (Shapiro, 2010)، اما در سنت باطنی مدرن و جنبش های رازآموز قرن بیستم و بیست و یکم، همچنان مورد توجه قرار دارند.

با این حال، در طرف مقابل، پژوهشگران معاصر، به ویژه در حوزه مطالعات شکسپیر، تأکید می کنند که آثار این نویسنده برای صحنه تئاتر عمومی نگاشته شده اند و هدف آن ها بیشتر سرگرمی، نقد اجتماعی و بازتاب دغدغه های فرهنگی دوران الیزابتی بوده است، نه انتقال آموزه های فرقه ای یا باطنی. (Greenblatt, 2004)

با وجود همه آنچه هر دو طرف مخالف و موافق این تئوری می گویند، هنوز نمی توان با صراحت اعلام نمود که شکسپیر ارتباطی با یک فرقه مخفی نداشته است، زیرا سبک تفکر می تواند بنا بر تصمیماتی خاص، از سبک کاری، متفاوت بماند. به عنوان مثال برحسب همان مخفی کاری های فرقه ای. در هر حال صحت یا عدم صحت این امر تأثیری بر برجستگی آثار شکسپیر ندارد.

[منابع ردیف نهم در مورد مطالب فوق]

### ۳- مقایسه تطبیقی فردوسی و شکسپیر

#### چکیده:

این قسمت از مقاله به بررسی تطبیقی دو چهره شاخص ادبیات جهان، فردوسی و شکسپیر، می پردازد و نقش آن ها را در حفظ و تحول زبان، هویت ملی و هنر در بستر تاریخی خود تحلیل می کند. فردوسی به عنوان حافظ زبان فارسی و هویت ایرانی در دوران پس از حمله اعراب، نقشی یگانه در ادبیات فارسی ایفا کرده است، حال آنکه شکسپیر در فضایی با ثبات زبانی، توانست تئاتر و زبان انگلیسی را غنا بخشد. در ادامه، تفاوت ساختار شعری، عملکرد قافیه، و میزان تأثیر فرهنگی این دو شاعر تحلیل می شود.

## ۱- جایگاه فرهنگی و هویتی

فردوسی و شکسپیر هر دو چهره‌های شاخص ادبیات جهان‌اند، اما نقش آن‌ها در فرهنگ ملی‌شان تفاوت‌های مهمی دارد. فردوسی به عنوان حافظ زبان و هویت ایرانی در دوران تهدید فرهنگی و زبانی، جایگاهی هم‌ارز و حتی فراتر از شکسپیر برای زبان فارسی دارد. در حالی که شکسپیر در یک بستر زبانی تثبیت شده به خلق ادبیات پرداخت، فردوسی با شاهنامه، زبان فارسی را از انحلال بوسیله زبان عربی بازداشت. یک ضرب‌المثل می‌گوید: "اگر جهان غرب شکسپیر را دارد، ایران بزرگ فرهنگی فردوسی را دارد"

## ۲- دستاورد جهانی و استقبال بین‌المللی

شاهنامه و آثار شکسپیر هر دو شهرتی جهانی دارند. با وجود آنکه آثار شکسپیر تقریباً به تمام زبان‌های اصلی ترجمه شده و نمایش‌نامه‌های او اجراهای جهانی دارد، شاهنامه نیز به زبان‌های متعددی ترجمه شده و در هنر، فیلم و مطالعات جهانی بازتاب یافته است، گرچه حضور آن در خارج از دنیای فارسی زبان کمتر شناخته شده است. سازمان یونسکو در سال ۲۵۶۹ باستانی (۲۰۱۱ میلادی) به مناسبت هزارمین سال سرایش شاهنامه برنامه‌هایی بین‌المللی برگزار کرد که بر اهمیت جهانی این اثر تأکید داشت.

## ۳- مضامین ادبی و ساختار آثار

- شاهنامه یک اثری حماسی می‌باشد، با بیش از ۵۰,۰۰۰ بیت شعر که به سه بخش اسطوره‌ای، پهلوانی و تاریخی تقسیم می‌شود. مضامینی چون وفاداری، عدالت، سرنوشت و هویت ملی و جنگ نور با ظلمت در آن برجسته‌اند.
- آثار شکسپیر نمایشنامه‌هایی را تشکیل می‌دهد که تمرکز بر تراژدی انسانی، قدرت، و بحران‌های اخلاقی دارند. نمایشنامه‌هایی مانند *شاه لیر* و *هم‌لخت* مفاهیمی نظیر تغییرات اجتماعی و روان انسانی را کاوش می‌کنند.

مطالعات تطبیقی نشان داده‌اند که داستان *شاه لیر* با اپیزودهایی از شاهنامه (مانند داستان فریدون و تقسیم قلمرو میان فرزندان) همپوشانی مضمونی دارد. (Müller, 1998)

## ۴- تأثیر زبانی و ادبی

- فردوسی با سرودن شاهنامه به زبان فارسی ناب و حذف عمدی واژگان عربی و لحن دَری، نقش مهمی در تثبیت زبان فارسی نو ایفا نمود.

شکسپیر با خلاقیت زبانی خود تأثیر چشمگیری بر زبان انگلیسی گذاشت. او با ابداع واژگان، ترکیب‌های نو، و کاربردهای جدید از واژه‌ها، به شکل‌گیری و گسترش زبان انگلیسی مدرن کمک کرد. پژوهشگران بر این باورند که بیش از ۱۷۰۰ واژه و اصطلاح تازه در آثار او ثبت شده است—واژگانی که یا پیش‌تر وجود نداشتند یا دست کم به شکل مکتوب به کار نرفته بودند. البته ممکن است برخی از این کلمات در زبان محاوره‌ای رایج بوده باشند و شکسپیر آن‌ها را برای نخستین بار وارد ادبیات نوشتاری کرده باشد.

## ۵- میراث هنری و نمادین

- فردوسی با ارائه شاهنامه، یکی از ستون‌های قدرتمند هویت ملی ایران را بنا نهاد. نسخه‌هایی نفیس از این اثر جاودانه در موزه‌های جهان نگهداری می‌شوند. آرامگاه او در توس نیز نماد ملیت و مقاومت فرهنگی است.

- شکسپیر میراثی متمرکز بر تئاتر و آموزش برجای گذاشت. آثار هنری او از لندن تا توکیو اجرا می‌شوند و تئاتر گلوب و زادگاهش در استراتفورد به قطب‌های فرهنگی بدل شده‌اند.

#### ۶- بازتاب‌های اجتماعی و سیاسی

برخی تحلیل‌ها از منابع فرهنگی و تاریخی مانند آرشیوهای دانشگاهی بریتانیا نشان می‌دهند که هر دو نویسنده به اضطراب‌های فرهنگی و اجتماعی زمان خود واکنش نشان داده‌اند:

- شاهنامه با بازنمایی تقابل فرهنگ ایرانی و نفوذ خلافت اسلامی، الگویی از قدرت سیاسی مستقل از سلطه بیگانه ارائه می‌دهد.
- شکسپیر در نمایشنامه‌هایی چون *تیتوس آندرونیکوس* خشونت، انتقام و فروپاشی نظم اجتماعی را از طریق نمادهایی چون "بدن‌های تکه تکه شده" (رجوع شود به اصل نمایشنامه به زبان انگلیسی) روایت می‌کند.

#### ۷- نقش واقعیت‌های زندگی مخاطب در آموزش ادبیات

بر اساس پژوهش‌های جان گرین (John Green) متخصص آموزش ادبیات) در سال ۱۹۹۹ میلادی، و تحقیقات ریچارد اُبراین (Richard O'Brien) پژوهشگر مطالعات فرهنگی و آموزشی)، در سال ۲۰۱۲ میلادی، نحوه آموزش آثار شکسپیر در مدارس انگلیسی زبان، گاه منجر به بی‌علاقگی دانش‌آموزان می‌شود. این امر احتمالاً به دلیل مغایرت زبان شکسپیر با انگلیسی آمریکایی شده امروزی می‌باشد. اما فردوسی خود را در خط مقدم دفاع از فرهنگ و زبان فارسی می‌دید و ارائه اثرش را رسالتی فرهنگی می‌دانست. از اینرو شاهنامه را به گونه‌ای نگاشت که حتی امروزه، بعد از گذشت حدود هزار سال از اتمام آن، هنوز حتی برای نوجوانان ایرانی شیرین و قابل استفاده است.

فردوسی و شکسپیر هر دو ستون‌های ادبیات جهانی‌اند، اما نقش فردوسی به‌عنوان ناجی زبان و هویت ایرانی، او را در جایگاهی متفاوت و برجسته در میان شاعران ملی قرار می‌دهد. در حالی که شکسپیر جهان را در آینه تئاتر می‌نگرد، فردوسی تاریخ، اسطوره و هویت یک ملت را در قالب شعر احیا می‌کند. با این حال آثار هر دو بزرگ مرد جهان ادبیات، همچنان منبع الهام، تحقیق و هنر باقی مانده‌اند.

مقایسه‌های علمی، مانند نمونه‌هایی که از آرشیو کالج مارلبورو موجود می‌باشند، هر دوی این چهره‌های ادبی جهان را از نظر این دیدگاه برابر می‌دانند، اما تأثیر ملی و زبانی فردوسی عمیق‌تر است و او را بنابر دلایلی که مورد بررسی قرار گرفتند، در محدوده ایران بزرگ فرهنگی، چهره‌ای برجسته‌تر می‌سازد.

یک نکته مهم در مقایسه سرودن شعر به پارسی و انگلیسی این است که: گرچه در آثار شکسپیر، به ویژه در سونات هایش قافیه رعایت می‌شوند، اما این قافیه‌سازی به شدت و دیسپیلینی که در شاهنامه شاهد آن هستیم نمی‌باشد.

یک نمونه از قافیه‌سازی در سونات هجدهم (Sonnet 18) شکسپیر:

Shall I compare thee to a summer's day? (A)  
 Thou art more lovely and more temperate. (B)  
 Rough winds do shake the darling buds of May, (A)  
 And summer's lease hath all too short a date. (B)

یک نمونه از عدم ایجاد قافیه در نمایشنامه هملت

To be, or not to be: that is the question:  
Whether 'tis nobler in the mind to suffer  
The slings and arrows of outrageous fortune,  
Or to take arms against a sea of troubles  
And by opposing end them.

در مقام مقایسه، قافیه سازی نه تنها در شاهنامه فردوسی و آثار ادیبان بزرگ دیگر ایرانی همیشه وجود داشته است، بلکه در آثار نوشتاری به نثر که اصولن قافیه سازی در آن لزومی ندارد نیز رعایت شده است. یک نمونه از آنچه گفته شد را می توان در نثرهای ادبی گلستان سعدی با قافیه و آهنگ ویژه خود یافت. پدیده‌ای که در ادبیات انگلیسی به ندرت دیده می‌شود.

این بخش را با ارائه چند اظهار نظر از برخی نویسندگان نامدار جهان در مقایسه فردوسی و شکسپیر به پایان می بریم.

- جرالد ماسی (Gerald Massey)

"فردوسی شاهکاری آفرید که هم سنگ هومر و شکسپیر است، و اگرچه در غرب کمتر شناخته شده، عظمت آن کمتر از آنان نیست." [Ref 1]

- دیک دیویس (Dick Davis)

"فردوسی تنها شاعر ملی نیست؛ او معمار ذهنیت فرهنگی ایرانیان است. شاهنامه از نظر غنای روایی و شعری، در تراز ایللیاد، اودیسه، و آثار شکسپیر است." [Ref 2]

- آرتور کریستنسن (Arthur Christensen)

"فردوسی را باید همانند شکسپیر در انگلستان، حافظ فرهنگ و زبان ملی دانست." [Ref 3]

- ای. جی. آربری (A. J. Arberry)

"شاهنامه فردوسی به مثابه اثری است که هم‌ارز با تراژدی‌های بزرگ شکسپیر، تاریخ، اسطوره و روان جمعی یک ملت را می‌سازد." [Ref 4]

[منابع ردیف دهم در مورد مطالب فوق]

## ۴- جمع‌بندی نهایی

### دستاوردهای ایرانیان، مدفون در غبار تیره تاریخ

البته بر کسی پوشیده نیست که آثار شکسپیر تا به امروز به زبانهای زیادی در جهان ترجمه شده و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند. اما دلیل اصلی آن این است که اصولن سیستم جمع‌آوری اطلاعات و ذخیره آنها، در میان غربیان همیشه حداقل از قرن نوزدهم به بعد رواج داشته است. همین امر باعث شد که در دنیای مدرن با پیشرفت تکنولوژی، دیتابیس‌های عظیمی در تمامی کشورهای غربی ایجاد شوند و داده‌های تاریخی مدون شده دستنویس و یا حتی چاپی را دیجیتالی‌زده نموده در آن بانک‌های اطلاعاتی ذخیره نمایند.

ایرانیان در دوران باستان مطالب ارزشمند خود را بر سینه کوه‌ها به عنوان کتیبه‌های حاوی اطلاعات، کنده کاری می‌کردند و یا بر روی لوحه‌های گلی حک نموده در مکانهای ویژه نگهداری می‌نمودند. از آنجا که مسلمانان، در حملات خود به سرزمین‌های دیگر، بیش از هرچیز در صدد نابودی فرهنگ و هویت آن منطقه برمی‌آمدند، بسیاری از این اماکن که نقش بانک اطلاعاتی را بازی می‌کردند، بدست آنها از بین می‌رفت. در صورتی که در اروپا، جز در مواردی خاص، معمولن در جنگهای مابین خود، آثار تاریخی یکدیگر را تخریب نمی‌کردند. از اینرو اطلاعات گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف، عمدتن در اختیار غربیان قرار دارد.

یک مطلب بسیار مهم دیگر این است که چون اطلاعات تاریخ جهان، امروزه بطور گسترده در دست غربیان است، تا حدودی در کارهای تحقیقاتی خود نقش خبگان اروپایی را برجسته می‌کنند. برای مثال از اسکندر مقدونی با لقب "بزرگ" نام می‌برند. این در حالی است که من در هیچ مرکز آکادمیک ندیده‌ام که اسکندر را به علت به آتش کشیدن تخت جمشید مورد نقد قرار بدهند، حتی در برخی منابع غربی آن آتش سوزی را ناخواسته و بدون اطلاع اسکندر ارزیابی کرده‌اند. مورد دیگر آنکه، در همه مطالعاتی که در مورد فلسفه و علم در دانشگاه‌های کشورهای غربی صورت پذیرفته، در آنهایی که من دیده‌ام، سرچشمه علوم را به فلاسفه یونانی نسبت می‌دهند. حال آنکه همانطور که من در چند مقاله خود از جمله در مقاله "[تخریب گسترده و سیستماتیک تاریخ باستانی ایران](#)" و همینطور در "[چهار دوره تفکراتی در تمدن حاضر](#)" به صورت مستند توضیح داده‌ام، بزرگترین فلاسفه یونانی، از شاگردان حداقل یک نخبه بی‌نظیر ایرانی به نام استانس در آن زمان بوده‌اند. برای تاکید بیشتر بر اهمیت جریان، آن مطالب را مجددن در این قسمت از این پژوهش بازتاب می‌دهیم.

]

پلینیوس مسن‌تر (Pliny the Elder)، تاریخ‌نگار، طبیعی‌دان و فیلسوف ایتالیایی قرن اول میلادی ضمن آنکه در آثار خود به تحسین باغها و نحوه ساختمان و شهرسازی ایرانیان و سلسله‌های امپراتوری ایران باستان می‌پردازد، یک فیلسوف و دانشمند استثنائی کم‌نظیر ایرانی بنام استانس را نیز معرفی و از او به عنوان استاد بسیاری از فلاسفه یونانی از جمله دموکریت و افلاطون یاد می‌کند. او در این مورد می‌نویسد:

"استانس که در دربار شاهنشاه خشایارشا (اول) دارای جایگاه رفیعی بوده است، نوشته‌های خود را به یونان باستان سرایت داده است. این نوشته‌ها بقدری مورد توجه بوده‌اند که به آنها لقب نوشته‌های ملکوتی داده بوده‌اند."

در همان گزارش پلینیوس آمده است که:



"نظریه اتم و تشریح آن که در یونان باستان بسیار مورد توجه بوده است، مربوط به استانس است و همو این مطلب را به فلاسفه طراز اول یونان تدریس نموده است."

طبق تحقیقات یک شرق شناس معروف به نام فوات سزگین (Fuat Sezgin)، استانس جانشین روحانی زرتشت، پیامبر ایرانی بوده است. بر اساس این تحقیقات، وی را بنیانگذار ستاره شناسی (حرکات ستارگان و اشکال فضایی و تعیین زمان برخی پدیده ها) و صاحب کتاب «۱۲ فصل در مورد سنگ محترم» و یا بسادگی «کتاب استانس معجزه گر» می دانند. (توجه شود به اسناد مربوطه به این گزارش در منابع ردیف یازدهم)

[

در هر حال با آنکه همه این اسناد در دیتابیس های کشورهای غربی موجود است، اما نه تنها در دانشگاه ها تدریس نمی شوند، بلکه، تا آنجا که تحقیقات من اجازه اظهار نظر می دهد، مطالبی از این دست در مراکز آموزشی غربی کمتر به میان می آید. البته برای آنکه حق مطلب ادا شود باید به پژوهشگران باستان شناس سرشناس غربی نیز اشاره نمود که در کشف رمز کتیبه ها و لوحه های اطلاعاتی ایران باستان، کمک های شایان توجهی نمودند. افرادی چون:

هنری راولینسون بریتانیایی (1810-1895) در رمزگشایی کتیبه بیستون. جورج فردریش گروتفند آلمانی (1775-1853) در شروع رمزگشایی خط میخی پارسی باستان. کارستن نیبور دانمارکی (1733-1815) در کپی برداری دقیق از کتیبه های تخت جمشید. اوژن بورنوف فرانسوی (1801-1852) در تکمیل رمزگشایی خط میخی. کریستین لاسن نروژی (1800-1876) در شناسایی علائم خط میخی و البته پروفیسور هاید ماری کخ در کار بر روی کتیبه های باستانی در ایران و نگارش کتاب پر ارزشی که به فارسی با نام "از زبان داریوش" به چاپ رسید. ( نام اصلی: Es kündigt Dareios der König: Vom Leben im persischen Großreich ).

در پایان می توان گفت که شاهنامه فردوسی، و نقش او به عنوان «ناجی زبان و فرهنگ فارسی»، جایگاهی منحصر بفرد در گذر تاریخ به وی بخشیده است. اگرچه شکسپیر و فردوسی هر دو از چهره های برجسته و تأثیرگذار در ادبیات جهانی به شمار می آیند، اما تأثیر فردوسی را می توان فراتر از عرصه ادبیات، در احیای هویت ملی و فرهنگی ایران زمین – در دوره های که این هویت در معرض زوال و فراموشی قرار داشت – نیز ارزیابی کرد. از این منظر، فردوسی نه تنها شاعر، بلکه احیاگر زبان، فرهنگ و تاریخ یک تمدن کهن است، و شاهنامه او سندی ماندگار در پایداری هویت ایرانی محسوب می شود.

[منابع ردیف یازدهم در مورد مطالب فوق]

پایان قسمت دوم (قسمت آخر)

[قسمت اول](#)

تحقیق و پژوهش: فرامرز تابش

کد مقاله در پژوهشکده اندیشه آنلاین آلمان:

jxfdrd fv cknäd , ldvhe tvn,sd , aös#dv\_rslj h,g , n,l



## منابع و مستندات

### - منابع ردیف هشتم

تأثیر بر زبان انگلیسی

1- شکسپیر با ابداع یا تثبیت بیش از ۱۷۰۰ واژه و صدها اصطلاح روزمره، نقش مهمی در توسعه زبان انگلیسی ایفا کرد. عباراتی مانند *"wild"*، *"break the ice"*، *"heart of gold"*، *"goose chase"* در آثار او دیده می‌شود.

- منبع: Crystal, David. (2008). *Think on My Words: Exploring Shakespeare's Language*. Cambridge University Press.
- منبع مکمل: Hughes, G. (2000). *A History of English Words*. Blackwell.

۲. تأثیر بر ادبیات جهانی

شکسپیر الگویی برای نویسندگان بزرگی چون چارلز دیکنز، هرمان ملویل، و جیمز جویس بوده است. مضامین تراژدی، قدرت، و اخلاق انسانی در آثارش جهانی و فرا فرهنگی هستند.

- منبع: Bloom, Harold. (1998). *Shakespeare: The Invention of the Human*. Riverhead Books.
- منبع مکمل: Bate, Jonathan. (2007). *The Genius of Shakespeare*. Picador.

۳. تأثیر بر تئاتر و سینما

نمایشنامه‌های شکسپیر الهام‌بخش ساختار مدرن تئاتر و حتی فیلم‌های معاصر بوده‌اند. اقتباس‌هایی مانند *The Lion King* بر اساس *Hamlet* یا *10 Things I Hate About You* بر اساس *Taming of the Shrew* مثال‌های بارز هستند.

- منبع: Jackson, Russell (Ed.). (2007). *The Cambridge Companion to Shakespeare on Film*. Cambridge University Press.
- منبع مکمل: Lanier, Douglas. (2002). *Shakespeare and Modern Popular Culture*. Oxford University Press.

۴. تأثیر بر فرهنگ و آموزش

شکسپیر بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام‌های آموزشی در بریتانیا، ایالات متحده و کشورهای دیگر است. مضامین انسانی آثارش بستری برای آموزش ارزش‌ها و مهارت‌های تفکر انتقادی هستند.

منبع: Green, Bill. (1999). *Teaching Shakespeare*. In: *Teaching the English Subject*, Routledge.

منبع مکمل: O'Brien, Josephine. (2012). *Why Students Hate Shakespeare*. *English Journal*, 101(5), 45-50.

۵. تأثیر بر فلسفه و اندیشه

شخصیت‌هایی مانند *هملت* به عنوان ابزار تحلیل در مباحث فلسفی درباره اختیار، سرنوشت، اخلاق و بحران وجودی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

- منبع: Kott, Jan. (1964). *Shakespeare Our Contemporary*. Methuen.
- منبع مکمل: Nussbaum, Martha. (1990). *Love's Knowledge: Essays on Philosophy and Literature*. Oxford University Press.

۶. تأثیر بر هنر و موسیقی

آثار شکسپیر الهام‌بخش موسیقی‌دانانی مانند وردی (اپرای *Othello*) و هنرمندان تجسمی در سراسر اروپا بوده‌اند. چهره‌هایی مانند اوفلیا، ژولیت، و مکبث در هنرهای تجسمی حضور پررنگ دارند.

- منبع: Burden, Michael & Thorp, Jennifer (Eds.). (2001). *Music and Shakespeare: Essays on Cultural Interactions*. Oxford University Press.
- منبع مکمل: Wells, Stanley. (2000). *Shakespeare in Art and Culture*. Oxford University Press.

### - منابع ردیف نهم

منابع فارسی

1. امینی، احمد. ۱۳۸۸. (شکسپیر: زندگی، آثار و افسانه‌ها. تهران: نشر نی.

2. بشیریه، حسین). ۱۳۹۲. *راز آلودگی و نمادگرایی در آثار کلاسیک غربی*. تهران: مرکز پژوهش‌های فرهنگی.
3. قاسم‌زاده، فرهاد). ۱۳۹۷. *نقد ادبی مدرن و پسا مدرن*. تهران: انتشارات نگاه.
4. مقصودی، محمد). (۱۴۰۱). «رازهای پنهان در تئاتر شکسپیر؛ از نمادگرایی تا تئوری توطئه». *فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه تهران*.
5. کمیجانی، امیر). ۱۴۰۰. *فراماسونری و تأثیر آن بر ادبیات غرب*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

#### منابع غیرفارسی

1. Friedman, R. M., & Beach, F. C. (1910). *The Shakespeare Problem Restated*. New York: Dodd, Mead and Company.
2. Spedding, J. (1872). *The Works of Francis Bacon*. London: Longman.
3. Shapiro, J. (2010). *Contested Will: Who Wrote Shakespeare?* New York: Simon & Schuster.
4. Greenblatt, S. (2004). *Will in the World: How Shakespeare Became Shakespeare*. New York: W. W. Norton & Company.
5. Fortune, D. (1935). *The Mystical Qabalah*. London: Williams & Norgate.
6. Yates, F. A. (1975). *The Occult Philosophy in the Elizabethan Age*. London: Routledge & Kegan Paul.
7. Nicholl, C. (2007). *The Lodger: Shakespeare on Silver Street*. London: Penguin Books.
8. Bacon, F. (1620/2000). *Novum Organum*. (M. Silverthorne, Trans.). Cambridge University Press.

#### - منابع ردیف دهم

#### منابع فارسی

1. آشتیانی، جلال). ۱۳۹۵. *مقایسه تطبیقی ادبیات فارسی و انگلیسی: فردوسی و شکسپیر*. تهران: نشر طه.
2. قاسم‌زاده، محمد). ۱۳۹۸. *زبان‌شناسی تاریخی و تأثیرات آن در ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات کتابخانه فرهنگ.
3. کاشانی، علی). ۱۴۰۰. *هویت ملی در ادبیات ایران و اروپا*. تهران: انتشارات سخن.
4. زاهدی، ابراهیم). ۱۳۹۷. *شاهنامه فردوسی و شکسپیر: یک مقایسه تطبیقی*. تهران: انتشارات ماهور.
5. علی‌اکبری، فاطمه). (۱۳۹۶). «شاهنامه فردوسی و شکسپیر؛ نگرده‌های ادبی از هویت و زبان». *فصلنامه تحقیقات ادبیات تطبیقی* ۱۲(۲): ۹۱-۱۰۵.

#### منابع غیرفارسی

1. Müller, S. (1998). *The Tragic Dimensions of King Lear and the Shahnameh*. *Comparative Literature Studies*, 35(4), 323-335.
2. Green, M. (1999). *The Impact of Shakespeare on English Literature and Education*. Cambridge: Cambridge University Press.
3. O'Brien, D. (2012). *Teaching Shakespeare: A Cultural Reflection*. *Journal of Educational Philosophy*, 15(2), 112-129.
4. Shapiro, J. (2005). *A Year in the Life of William Shakespeare: 1599*. New York: HarperCollins Publishers.
5. Golder, S. (2009). *Shakespeare and the Renaissance of England*. London: Oxford University Press.
6. Dowden, E. (1875). *Shakespeare: A Critical Study of His Mind and Art*. London: Kegan Paul, Trench, and Co.
7. Mullaney, S. (2007). *Shakespeare's Histories and the Politics of Memory*. Oxford: Oxford University Press.
8. Yates, F. A. (1987). *The Occult in Elizabethan England*. London: Routledge.

[Ref 1]: Gerald Massey, *Ancient Persian Lyrics* (London: Dickinson and Son, 1891), p. ix.

[Ref 2]: Dick Davis, Introduction to *Shahnameh: The Persian Book of Kings* (Penguin Classics, 2006), pp. 14–15.

[Ref 3]: Arthur Christensen, "The Shahnameh and Its Place in Persian Literature," *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, Bd. 43 (1889), S. 415.

[Ref 4]: A. J. Arberry, "Persian Poetry in English Translation," in *Proceedings of the British Academy*, vol. 29 (1943), pp. 112–113

## - منابع ردیف یازدهم

الف) منابع تخریب ایران توسط اعراب:

جدول خلاصه اقدامات تخریبی

منبع	جزئیات	اقدام
<a href="#">Wikipedia: Muslim conquest of Persia</a>	نابودی متون دینی و فرهنگی	سوزاندن کتب زرتشتی
<a href="#">Destination Iran</a>	کشتن موبدان زرتشتی در مراکز مقاومت	اعدام روشنفکران و کشیشان
<a href="#">Encyclopaedia Iranica: 'ARAB ii</a>	تصرف و ویرانی آتشکده‌ها مانند کرکویه	تخریب آتشکده‌ها
<a href="#">Britannica: Iran - History</a>	تخریب کنیسفون و استخر، جایگزینی با مساجد ویرانی شهرها	

ارجاعات کلیدی

- [History Destructive Arabs' Invasion of Iran](#)
- [Iran - History](#)
- [Muslim conquest of Persia](#)
- ['ARAB ii. Arab conquest of Iran](#)
- ['ARAB iii. Arab settlements in Iran](#)

توجه!

حمله اعراب به ایران منجر به تخریب گسترده میراث فرهنگی و تاریخی شد، از جمله سوزاندن کتب، اعدام روشنفکران، تخریب آتشکده‌ها و ویرانی شهرهای تاریخی. این اقدامات به کاهش فرهنگ زرتشتی و تغییر هویت فرهنگی ایران کمک کرد. با این حال، فرهنگ ایرانی توانست با فرهنگ اسلامی ادغام شود و سنت‌های ایرانی را در چارچوب جدید حفظ کند. این موضوع پیچیده و بحث‌برانگیز است، و منابع مختلف دیدگاه‌های متفاوتی ارائه می‌دهند.

ب) منابع تخریب تخت جمشید توسط اسکندر

جدول خلاصه دلایل تخریب

منبع	جزئیات	دلیل
<a href="#">World History Encyclopedia</a>	برای خرابی آتن توسط خشایارشا در سال ۴۸۰ پیش از میلاد انتقام از خرابی‌های یونانی‌ها	
<a href="#">Livius.org: Diodorus on the sack of Persepolis</a>	پیشنهاد تائیس در یک جشن مستانه برای سوزاندن قصر	جشن مستانه و تحریک تائیس
<a href="#">Livius.org: Alexander 2.10</a>	جولوگیری از استفاده دشمنان از گنجینه‌ها	دلایل نظامی و استراتژیک
<a href="#">ThoughtCo: Why Did Alexander the Great Burn Persepolis?</a>	پیامی به ایرانیان برای تسلیم شدن	نشان دادن قدرت به عنوان فاتح
<a href="#">Livius.org: Diodorus on the sack of Persepolis</a>	غارث شهر قبل از تخریب	غارث و کسب ثروت
<a href="#">BBC News: Alexander the not so Great</a>	نابودی آثار زرتشتی و فرهنگی	تخریب فرهنگی و مذهبی

اختلاف نظر در منابع

- منابع تاریخی در مورد اینکه تخریب یک تصمیم آگاهانه بود یا نتیجه یک جشن مستانه، اختلاف نظر دارند. آریانوس تخریب را یک تصمیم انتقامجویانه توجیه شده می‌داند، در حالی که دیودوروس سیکولوس آن را نتیجه یک تصمیم ناگهانی در جریان مستی توصیف می‌کند.
- این اختلاف نظر نشان‌دهنده پیچیدگی روایت‌های تاریخی است و ممکن است به دیدگاه‌های مختلف تاریخ‌نگاران یونانی و پارسی بازگردد.

### توجه!

تخریب تخت جمشید توسط اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ پیش از میلاد، یکی از حوادث کلیدی در تاریخ ایران باستان بود. دلایل این تخریب شامل انتقام جویی از ایرانیان بابت برخی تخریب‌ها در جریان اشغال آتن به دست خشایارشا در نبرد ترموپیل، تصمیمات نظامی و استراتژیک اسکندر، نشان دادن قدرت به عنوان فاتح خارجی، غارت و کسب ثروت ارتش اسکندر، و تخریب فرهنگی و مذهبی است. این رویداد از دیدگاه تاریخی و فرهنگی، همچنان مورد بحث و تحلیل قرار دارد و نشان‌دهنده تأثیرات مخرب عمیق فتوحات اسکندر بر میراث فرهنگی ایران است.

### ارجاعات کلیدی

- [World History Encyclopedia: Alexander the Great & the Burning of Persepolis](#)
- [Livius.org: Diodorus on the sack of Persepolis](#)
- [Livius.org: Alexander 2.10](#)
- [ThoughtCo: Why Did Alexander the Great Burn Persepolis?](#)
- [BBC News: Alexander the not so Great: History through Persian eyes](#)

منابع و ارجاعات در مورد اظهارات پلینی بزرگ در مورد ایران و فیلسوف ایرانی، استانس

تاریخ طبیعی پلینی بزرگ، کتاب ۳۰، بخش‌های ۲.۳-۱۰ (ترجمه‌های انگلیسی توسط جان بوستاک و اچ.تی. رابلی).

Encyclopaedia Iranica: Ostanes (<https://iranicaonline.org/articles/ostanes>).

Wikipedia: Ostanes (<https://en.wikipedia.org/wiki/Ostanes>).

TheCollector: A Guide to Pliny the Elder's Natural History

Zoroastrian Heritage: Ostanes

Occult Research Institute: Ostanes the Alchemist

*Naturalis Historia* رابلی. (1855). [The Latin Library](#). پلینی بزرگ، کتاب ۳۰، ترجمه جان بوستاک و اچ.تی. رابلی.

. Brill ۱۹۷۱، فواد سزگین، جلد ۴ (کیمیای-شیمی)، *Geschichte des Arabischen Schrifttums*.

Encyclopaedia Iranica: Ostanes (<https://iranicaonline.org/articles/ostanes>).

Wikipedia: Ostanes (<https://en.wikipedia.org/wiki/Ostanes>).

Chemie-Schule: Ostanes

Manfred Ullmann, *Die Natur- und Geheimwissenschaften im Islam*, Brill ۱۹۷۲.

